

بررسی شعر محمدرضا شفیعی کدکنی و عبدالوهاب البیاتی از منظر ادبیات تطبیقی

ناهده فوزی^{۱*}، مریم امجد^۲، کبری روشنفکر^۳

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران
۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران
۳. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

پذیرش: ۹۱/۴/۲۷

بریافت: ۹۰/۱۰/۲۷

چکیده

عبدالوهاب بیاتی، شاعر پیشتاز عرب و محمدرضا شفیعی کدکنی، ادیب، ناقد، شاعر و نویسنده توانمند فارسی در این عرصه جلوه‌ای از تطبیق و داوری را می‌نمایانند؛ چنانکه بین اشعار شفیعی کدکنی و البیاتی وجوه مشترک بسیاری در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و به‌ویژه ادبی وجود دارد. آشنایی دیرینه شفیعی کدکنی با آرا و دیدگاه‌های البیاتی از رهگذر مطالعه، ترجمه آثار او و نیز شیفتگی‌اش نسبت به البیاتی سبب شد تا اشعار وی را به‌عنوان نمونه برتر و شخصیت او را به‌مثابه الگو قرار دهد و حتی در برخی موارد از وی تأثیر پذیرد و در مواردی دیگر، مشابه او بسراید. این تحقیق با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و عمدتاً براساس نظریه بینامتنیت و با بررسی شواهد، به‌دنبال اثبات این فرضیه است که وجوه اشتراک در اشعار این دو ادیب، اتفاقی نبوده و حاکی از اثرپذیری شاعر معاصر فارسی از ادیب توانمند عرب است.

واژگان کلیدی: ادبیات تطبیقی، شعر، شفیعی کدکنی، عبدالوهاب البیاتی.

۱. مقدمه

از مطالعهٔ سروده‌های شفیعی کدکنی و عبدالوهاب البیاتی، وجوه مشترک بسیاری به دست می‌آید. با در نظر گرفتن این مطلب که شفیعی از مدت‌ها قبل البیاتی را می‌شناخت و با اشعار وی آشنا بود و به دلیل تسلط بر فرهنگ و زبان عربی، قادر به فهم اشعار وی و در نتیجه شیفتهٔ شخصیت و آرای او بود، این تأثیرپذیری قابل بررسی است؛ اما از آنجا که البیاتی با زبان فارسی بیگانه بود و شناختی نسبت به شفیعی کدکنی نداشت، بنابراین تنها به اثرپذیری شفیعی از شاعر عراقی می‌پردازیم. نکتهٔ مهم دیگری که بر این نظر صحه می‌گذارد این است که البیاتی در سرودن اشعار، بر شفیعی تقدم داشته و شفیعی سال‌ها پس از چاپ قصاید وی، به ترجمهٔ آن‌ها و سرودن اشعار مشابه اقدام کرده است.

این مقاله در پی پاسخ به این سؤال است که از نگاه تطبیقی، بسامد تشابه شعری دو شاعر تا چه اندازه است؟

از این رو به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از شیوهٔ تحلیل محتوا براساس مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی و برای اثبات، با فرض تأثیرپذیری کدکنی از بیاتی، تنها به ابیاتی از شاعر عراقی استناد می‌کنیم که توسط خود شفیعی کدکنی به زبان فارسی ترجمه شده است. از آنجا که وجود ابعاد مشترک تاریخی، اجتماعی و فرهنگی، زمینه‌ساز بررسی موضوع در حوزهٔ ادبیات تطبیقی به شمار می‌آید، بنابراین در این مقاله نخست با استناد به منابع، نظریهٔ تأثیرپذیری شفیعی کدکنی از عبدالوهاب البیاتی را اثبات کرده و سپس با ذکر شواهد شعری، از منظر ادبیات مقایسه‌ای به بررسی وجوه مشترک، در شعر دو شاعر خواهیم پرداخت.

۲. پیشینهٔ پژوهش

بیاتی از سال‌های جوانی مورد توجه ناقدان و پژوهشگران شعر معاصر عرب در جهان عرب و نیز غرب بوده است. علاوه بر حجم انبوه کتاب، مقاله و رسالهٔ دانشگاهی که دربارهٔ اشعار او نگاشته‌اند، شعرهایش به بسیاری از زبان‌های اروپایی و شرقی، از جمله فارسی ترجمه شده است. به طوری که برخی از اشعار ترجمه شده از وی به فارسی عبارت‌اند از: *آوازه‌های سندیباد* ترجمهٔ محمدرضا شفیعی کدکنی؛ *شعرهایی در تبعید* ترجمهٔ علی واثقی؛ *شعرهای تبعید* ترجمهٔ عدنان غریفی و *ماه شیراز* ترجمهٔ عبدالرضا رضایی‌نیا.

مصطفی بدوی در *مختارات من الشعر العربي الحديث*؛ حیدر توفیق بیضون در *عبدالوهاب البیاتی: اسطورة التیه بین المخاض و الولادة*؛ منذر جبوری در *شعراء عراقیون*؛ علی‌احمد سعید در *ترانه‌های مهیار دمشقی*؛ عبدالعزیز شرف در *الرؤیا البلاغیة فی شعر عبدالوهاب البیاتی*؛ محمدرضا شفیعی کدکنی در *شعر معاصر عرب و نیز ترجمه‌های دیوان، آوازهای سندباد، سیرة ذاتیة لسارق النار و نصوص شرقیة*؛ غالی شکری در *شعرنا الحديث الی آین؟*؛ یوسف صائغ در *الشعر الحر فی العراق منذ نشأته حتی ۱۹۵۸* (دراسة نقدیة)؛ احسان عباس در *اتجاهات الشعر العربي المعاصر*؛ علی جعفر علاق در *الشعر العربي المعاصر فی العراق*؛ طانیوس میخائیل در *دراسات فی الشعر العربي الحديث وفق المنهج النقدي الدیالکتیکی و سرانجام عبدالعزیز سعود الباطین در معجم الباطین للشعراء العرب المعاصرين* به آن پرداخته‌اند.

از محمدرضا شفیعی کدکنی نیز مجموعه‌های متعددی مانند *از بودن و سرودن، از زبان برگ، بوی جوی مولیان، در کوچه‌باغ‌های نیشابور، زمزمه‌ها، شبخوانی و مثل درخت در شب باران*، منتشر شده است. حبیب‌الله عباسی در *سفرنامه باران*، همچنین عابدی در کتاب *در روشنی باران‌ها و بشردوست در اثر در جست‌وجوی نیشابور* به نقد و بررسی اشعار وی پرداخته‌اند. مهدی برهانی نیز در *از زبان صبح* مروری بر شعر و زندگی وی داشته است.

اما از سویی، پژوهش‌های صورت‌گرفته درباره مجموعه‌های شعری کدکنی به هیچ‌وجه با تحقیقات انجام‌شده درباره مجموعه‌های شعری البیاتی برابری نمی‌کند و از سوی دیگر در مورد این دو شاعر از منظر ادبیات تطبیقی، تاکنون تحقیق مستقلی انجام نشده است.

۳. مکتب ادبیات تطبیقی آمریکایی

در این مکتب برخلاف مکتب فرانسه به روابط میان ادبیات مختلف برمبنای اصل تأثیر و تأثر توجهی نمی‌شود. آنچه در این مکتب اصالت دارد، اصل تشابه و همانندی است (سیدی، ۱۳۹۰: ۱۷). در این مکتب، ادبیّت یک اثر ادبی، مرکز توجه است و منظور از ادبیّت، تمام ویژگی‌هایی است که یک اثر را به اثر ادبی تبدیل می‌کند. بنابراین ادبیات تطبیقی آمریکایی نوعی مطالعه فرهنگی است و علاوه بر آن، بیشتر به نقد ادبی نزدیک‌تر است تا بررسی تاریخی پدیده‌های

ادبی (همان: ۱۸). به هر حال، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های ادبیات تطبیقی، مفهوم «روابط بینامتنی» است.

۴. روابط بینامتنی

براساس رویکرد بینامتنیت^۱ هیچ متنی، خودبسنده نیست و هر متن در آن واحد هم بینامتنی از متون پیشین است و هم بینامتنی برای متون پسین خواهد بود. به تعبیر بهتر، هر متن حاصل زایش متون قبل از خود است (رضایی دشت‌ارژنه، ۱۳۸۷: ۳-۶).

بینامتنیت یعنی متن، فارغ از گذشته خود نیست بلکه با مناسبات فرهنگی و ادبی گذشته نیز درگیر است؛ به عبارت دیگر متن در خلأ به وجود نمی‌آید، بلکه آن را در درون یک متن بزرگ‌تر مطالعه می‌کنیم.

نظریه بینامتنیت که جدیدترین و چالش‌برانگیزترین نوع ادبیات تطبیقی است، بر این پیش‌فرض استوار است که نشانه‌های تمام متون به صورت ردپا درون یکدیگر حضور دارند. از این رو تقدم و تأخر اهمیت خود را از دست می‌دهد و نمی‌توان نقطه آغازی برای شبکه بینامتنی (که تمام آثار ادبی را در یکدیگر تنیده است) متصور شد. نظریه‌های میخائیل باختین، ژولیا کریستوا و دیگران آبخور مباحث پیچیده‌ای از بینامتنیت است.^۲

۵. نمادها و عناوین مشترک دو شاعر

ممکن است تشابهات و اشتراکات بسیاری در شعر تعداد زیادی از ادیبان وجود داشته باشد، اما دلایلی وجود دارد که اثبات می‌کند وجوه مشترک میان این دو شاعر، تصادفی نبوده و ناشی از اثرپذیری ادیب پارسی از ادیب عراقی است. اکنون پس از نگاهی اجمالی به نمادها و عناوین مشترک، به ذکر دلایل آن می‌پردازیم:

جدول ۱ نمادهای مشترک

دیوان	شفیعی کدکنی (قصیده)	دیوان	بیاتی (قصیده)	وجه مشترک نمادها
از بودن و سرودن	«معراج‌نامه»	الذی یأتی و لا یأتی	«الحجر»	نماد دینی / سلیمان
در ستایش کبوترها	«نکوهش»	سیرة ذاتیة لسارق النار	«الموت فی اليسفور»	نماد دینی / یوسف
در ستایش کبوترها	«ملخ زرین»	عیون الکلاب المیتة	«بکائیة الی شمس حزیران»	نماد دینی / ایوب
در کوچه باغ‌های نیشابور	«حلاج»	سفر الفقر و الثروة	«عذاب حلاج»	نماد صوفی / حلاج
غزل برای گل آفتابگردان	«موج نوشته‌های دریا»	الموت فی الحیاة	«موت الاسکندر المقدونی»	نماد تاریخی / اسکندر مقدونی
زمزمه‌ها	«زمزمه‌ها، روشن‌دلان»	عیون الکلاب المیتة	«قصائد الحبّ علی بوابات العالم السبع»	نماد اسطوره / عشتار

چشمگیرترین عنوان‌های مشترک نیز در جدول زیر قابل‌ملاحظه است:

جدول ۲ عنوان‌های مشترک

شفیعی، عنوان قصیده / عنوان مجموعه	بیاتی، عنوان قصیده / عنوان مجموعه
«چشمان سگ‌مرده» / شعر معاصر عرب	«عیون الکلاب المیتة» / عیون الکلاب المیتة
«دیدار» / در کوچه باغ‌های نیشابور	«لقاء» / الملائكة و الشیاطین
«سرود» / مثل درخت در شب باران	«اغنیة» / المجد للاطفال و الزیتون
«ملال» / از زبان برگ	«ضجر» / الملائكة و الشیاطین
«آرزو» / زمزمه‌ها	«امل» / المجد للاطفال و الزیتون
«پیغام» / زمزمه‌ها	الرسالة / المجد للاطفال و الزیتون
«کلاغ» / خطی ز دلتنگی	«الغراب» / النار و الکلمات

ادامه جدول ۲

شفیعی، عنوان قصیده/ عنوان مجموعه	بیاتی، عنوان قصیده/ عنوان مجموعه
«ملخ زرین»/ در ستایش کبوترها	«الجرادة الذهبية»/ الموت فی الحياة
«هدیه»/ در ستایش کبوترها	«الهدیة»/ الكلمات لا تموت
«مردی است می سزاید»/ خطی ز دلتنگی	«الرجل الذی کان یغنی»/ اشعار فی المنفی
«معجزه»/ خطی ز دلتنگی	«المعجزة»/ الكتابة علی الطین
«مرثیه»/ غزل برای گل آفتابگردان	«بکائیة»/ الذی یأتی و لا یأتی

۶. بحث و بررسی

شفیعی کدکنی در سال ۱۳۴۳-۵۴ ه.ش با بیاتی آشنا شد و با مطالعه اشعارش، بسیاری از آن‌ها را به زبان فارسی، ترجمه و در مجلات معتبر آن زمان به چاپ رسانید. وی در همین سال‌ها در یکی از کنگره‌های بین‌المللی شعر از نزدیک با بیاتی ملاقات کرده و با او به گفت‌وگو نشست (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۹: ۱۸۴) این در حالی بود که بیاتی از شهرت جهانی برخوردار بود و آوازه‌اش به خارج از میهن خود راه یافته بود؛ اما شفیی هروز شهرت کنونی را نداشت؛ بنابراین شاعر عراقی تا قبل از آن دیدار، وی را نمی‌شناخت. همچنین برخلاف ادیب عراقی که به زبان فارسی تسلط نداشت، ادیب ایرانی با زبان عربی به‌خوبی آشنا و قادر به درک زیبایی‌ها و رموز آن بود (برهانی، ۱۳۷۸: ۵۴) و به همین دلیل بود که پس از مطالعه اشعار بیاتی، جملاتی اینچنین تمجیدآمیز دربارهٔ وی در کتاب‌ها و مقالات متعدد می‌نگاشت:

عبدالوهاب البیاتی، شاعر معاصر عراقی که شهرت و آوازه‌اش به خارج از میهن خود راه یافته است، امروزه به‌عنوان پرچمدار شعر مترقی مورد قبول همگان است. من، او را از متواضع‌ترین شاعرانی یافتم که در زندگی با آنان برخورد داشته‌ام (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۹: ۱۸۳-۱۸۴).

از نظر اسلوب بیانی و حوزه معانی شعری، بیاتی بی‌گمان یکی از برجسته‌ترین چهره‌های جنبش ادبی است و خواننده شعر او در نخستین تأمل می‌تواند به وسعت قلمرو اندیشه و تخیل و توانایی عجیب او در تداعی مسائل گوناگون اجتماعی، تاریخی و اساطیری پی برد

(همو، ۱۳۴۸: ۶).

«شعر البیاتی، از پرفرہنگ‌ترین اشعار امروز عرب است. در شعر او مجموعه آگاهی‌های تاریخی، فلسفی، سیاسی، اساطیری و عرفانی با تجارب شاعر در هم آمیخته است» (همو، ۱۳۴۷: ۶). علاوه بر آنچه گفته شد، توجه به تاریخ چاپ قصاید این دو ادیب نامی، به‌روشنی بیانگر این است که شاعر عراقی، قصاید خویش را مقدم بر شاعر ایرانی سروده و اشعار شفیع کدکنی سال‌ها پس از البیاتی، به چاپ رسیده است. بی‌شک شناخت عمیق و گسترده شفیع کدکنی از شخصیت و اشعار بیاتی، سبب شد تا اشعار وی از بسیاری جهات با آثار البیاتی شباهت داشته باشد. بنابراین نخست وجوه اشتراک در آرا و رویکردها و سپس شواهد مشترک در شعر دو شاعر را بررسی می‌کنیم.

۷. بررسی وجوه اشتراک در آرا و رویکردها

وجوه اشتراک نزد دو شاعر را در زمینه‌های مختلفی می‌توان برشمرد؛ به‌طور مثال هر دو ادیب از بسترهای یکسان اجتماعی و فرهنگی برخوردار بودند، به‌طوری که از همان کودکی در محیط خانوادگی نسبتاً مشابهی رشد یافتند (البیاتی، ۱۳۳: ۱۹۹۳؛ برهانی، ۲۶: ۱۳۷۸-۲۷)، چنانکه در نوجوانی و جوانی نیز تعامل با محیط اجتماعی و آشنایی با رنج مردم، هر دو شاعر را به شاعرانی متعهد و متأثر از مشکلات زمانه مبدل کرد (البیاتی، ۳۵: ۱۹۹۳؛ عباسی، ۱۳۷۸: ۹۶)؛ آن دو از یک‌سو، از جریان‌های اجتماعی و سیاسی روشنفکرانه زمان خود تأثیر پذیرفتند و از سوی دیگر روند تحول ادبی یکسانی را طی کردند؛ به‌طوری که در مرحله نخست، هر دو در شعر خود آغازی رمانتیک داشته‌اند. البیاتی در نخستین مجموعه شعری خود به نام *الملائکة و الشیاطین* (فرشتگان و شیطان‌ها، ۱۹۵۰م) و شفیع کدکنی نیز در اولین مجموعه‌های شعری خود تحت عناوین *شب‌خوانی* (۱۳۴۳ش / ۱۹۶۴م) و *زمنه‌ها* (۱۳۴۴ش / ۱۹۶۵م) تمایلات احساس‌گرایانه و لحن غنایی را به نمایش می‌گذارند (الجیوسی، ۲۰۰۱: ۵۷۲؛ عباسی، ۲۶۷: ۱۳۷۸-۲۶۹).

سپس هر دو با عبور از مرحله رمانتیسم^۲، وارد مرحله واقع‌گرایی اجتماعی^۳ شده و به مضامین اجتماعی-سیاسی روی می‌آورند. این مرحله، نزد البیاتی با مجموعه دوم، به نام *ابریق* *مہشمہ* (ابریق‌های شکسته، ۱۹۴۵م) آغاز می‌شود و با مجموعه‌های *الذی یأتی و لا یأتی* (آنکه

می‌آید و آنکه نمی‌آید، ۱۹۶۶م) و *یومیات سیاسی محترف* (خاطرات سیاست‌پیشه‌ای حرفه‌ای، ۱۹۷۰م) به اوج خود می‌رسد (فوزی، ۹۷: ۱۳۸۳-۹۸).

شواهدی از این مرحله در شعر شفیعی کدکنی در مجموعه *از بودن و سرودن* (۱۳۴۷ش/ ۱۹۶۸م) به‌ویژه در قصیده «عاشقان شرزه» و نیز در مجموعه *در کوچه‌باغ‌های نیشابور* (۱۳۵۰ش/ ۱۹۷۱م) و *بوی جوی مولیان* (۱۳۵۷ش/ ۱۹۷۸م) به چشم می‌خورد (عابدی، ۷۰: ۱۳۸۱-۷۶). آنچه در این مرحله قابل ذکر است، تلاقی اندیشه‌های انسان‌گرایانه^۱ اگزیستانسیالیستی^۲ با درونمایه فلسفی و باورهای واقع‌گرایی اجتماعی نزد دو شاعر است، که از سویی در جای‌جای مجموعه *ابریق‌های شکسته* الیاتی و نیز در قصیده «الفنّ للحيّاة» (هنر برای زندگی) از مجموعه *کلمات لا تموت* (کلمات هرگز نمی‌میرند، ۱۹۶۰م) مشهود است (صبحی، ۱۹۸۶: ۱۰۲؛ جاسم، ۱۹۹۰: ۵۲) و از سوی دیگر در قصیده «سفر به خیر» از مجموعه *در کوچه‌باغ‌های نیشابور* کدکنی و نیز شعر «مرثیه درخت» از مجموعه *از زبان برگ* (۱۳۴۷ش/ ۱۹۶۸م)، همچنین در قصیده «دییاجه» از مجموعه *از بودن و سرودن* دیده می‌شود (عباسی، ۱۳۷۸: ۱۷۵-۱۷۶).

در مرحله تکامل شعری، هر دو ادیب معاصر، به عرصه‌ها و ساخت‌های جدید در شعر نو با تکیه بر مکتب سمبلیک روی آوردند؛ به‌طوری که رویکرد نمادگرایانه را درجه‌ای برای نگریستن به مسائل اجتماعی دانسته، از نمادهای تاریخی، ادبی، عرفانی، دینی و اساطیری نسبتاً مشابهی بهره برده‌اند. گفتنی است نمادهای عرفانی و دینی در شعر دو شاعر، بیانگر فرهنگ دینی عمیق آن‌ها است که ریشه در کودکی و شرایط خانوادگی ایشان دارد. از این رو است که هر دو، دیدگاهی عرفانی به هستی دارند و با چنین رویکردی، شعر خود را آکنده از تعبیرات فلسفی، عرفانی و دینی کرده‌اند (جاسم، ۱۹۹۰: ۱۴۰؛ برهانی، ۱۳۷۸: ۹۹؛ بشردوست، ۱۳۷۹: ۳۰).

۸. بررسی نمادها از منظر بینامتنیت

از بین نمادهای دینی در شعر دو ادیب، می‌توان به سلیمان (ع) اشاره کرد. نام این شخصیت دینی که در تاریخ، به‌عنوان پیغمبری رؤف و حکمرانی حکیم، از او یاد شده است، در شعر «الحجر» (سنگ) از مجموعه *آنکه می‌آید و آنکه نمی‌آید* البیاتی و نیز در قصیده «معراج‌نامه» از مجموعه *از بودن و سرودن* شفیع کدکنی دیده می‌شود. همچنین نام یوسف (ع) در قصیده «الموت فی البسفور» (مرگ در بسفور^۱) از مجموعه *سیره ذاتیه لسارق النار* (زندگینامه شخصی سارق آتش، ۱۹۷۴م) اثر البیاتی و نیز در قصیده «نکوهش» از مجموعه *در ستایش کیوترها* (۱۳۷۶ش / ۱۹۹۷م) اثر شفیع کدکنی دیده می‌شود.

علاوه بر این دو شخصیت مذهبی، به نام و شخصیت ایوب (ع) نیز در قصیده «بکائیه الی شمس حزیران» (مرثیه برای خورشید حزیران) از مجموعه *عیون الکلاب المیتة* (چشم‌های سگان مرده، ۱۹۶۹م) البیاتی و همچنین قصیده «ملخ زرین» از مجموعه *در ستایش کیوترها* اثر شفیع کدکنی اشاره شده است.

علاوه بر سمبل‌های دینی، نمادهای عرفانی نیز در شعر دو ادیب وجود دارد که از آن جمله می‌توان به حسین بن منصور حلاج اشاره کرد. حلاج که با گفتن «أنا الحق» متهم به کفر و رزیدن شد و پس از هشت سال زندان، به قتل رسید، در قصیده «عذاب حلاج» البیاتی از مجموعه *سفر الفقر و الثروة* (دقت فقر و انقلاب، ۱۹۶۵م) و نیز در قصیده «حلاج» شفیع کدکنی از مجموعه *در کوچه‌باغ‌های نیشابور*، به‌عنوان سمبل شورش، تمرد، شهادت و آزاداندیشی به کار رفته است (جاسم، ۱۹۹۰: ۲۳۱؛ عباسی، ۱۳۷۸: ۲۷۶).

از شخصیت‌های تاریخی مشترک در شعر هر دو ادیب، اسکندر مقدونی است که به‌عنوان حاکم مقدونیه، با شکست مخالفان و فتوحات بسیارش قبل از مرگ، سبب شد تا البیاتی در قصیده «موت الاسکندر المقدونی» (مرگ اسکندر مقدونی) از مجموعه *الموت فی الحیاة* (مرگ در زندگی، ۱۹۶۸م) و نیز شفیع کدکنی در شعر «موج‌نوشته‌های دریا» از مجموعه *عزل برای گل آفتابگردان* (۱۳۷۶ش / ۱۹۹۷م) از وی به‌عنوان نماد گردنکشان و ستمگران در تمامی اعصار یاد کنند (فوزی، ۱۳۸۳: ۱۶۸؛ عباسی، ۱۳۷۸: ۱۳۱).

علاوه بر سمبل‌های دینی، عرفانی و تاریخی، اسطوره‌هایی نیز در اشعار دو ادیب وجود

دارد که از جمله آنها می‌توان به اسطوره ایشتار/ عشتار^۷ اشاره کرد. در شعر عبدالوهاب البیاتی، این اسطوره، رمز محبوبه وی، عایشه است (فوزی، ۱۳۸۳: ۱۶۸) به طوری که شاهدهی از این مرحله را در قصیده «قصائد الحبّ علی بوابات العالم السبع» (شعرهایی عاشقانه بر دروازه‌های هفتگانه جهان) از مجموعه **چشم‌های سگان مرده** می‌توان دید، اما شفیعی کدکنی که این قصیده شاعر عراقی را به زبان فارسی ترجمه کرده است، نام ایشتار/ عشتار در شعر وی را، چهره شخصیت یافته سیاره ناهید دانسته و از آن به عنوان نام جایگزین ایشتار/ عشتار استفاده کرده است (البیاتی، ۱۳۴۸: ۱۱۲)؛ چنانکه خود نیز از نام ناهید در دو قصیده (زمزمه‌ها) و «روشن‌دلان» از مجموعه **زمزمه‌ها** بهره می‌جوید.

حاصل سخن اینکه دو ادیب معاصر ایرانی و عراقی، از اشتراکات بسیاری که ناشی از هم‌راستایی فکری، تقارب عواطف و پیوند آرمانی است، برخوردارند؛ این تشابهات، برخی در عناوین و برخی در مضامین شعری نمایان است که بی‌شک هم از منظر بینامتنی و هم از دیدگاه بیناترجمه‌ای قابل بررسی است که این تحقیق با نگاه بینامتنی به بررسی آنها خواهد پرداخت.

۹. تحلیل عناوین مشابه در دو دیوان

- «چشمان سگ مرده» عنوان مرثیه‌ای است که کدکنی در سال ۱۳۷۸ش/ ۱۹۹۹م در سوگ البیاتی سرود (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۹: ۱۹۸). وی این عنوان را از یکی از قصاید شاعر عراقی به نام «عیون الکلاب المیتة» از همین مجموعه شعری برگزید.

- «دیدار» عنوان دیگری است که در مجموعه **در کوچه باغ‌های نیشابور** به چشم می‌خورد که برگرفته از عنوان «لقاء» از مجموعه **فرشتگان و شیطان‌ها** است.

- «سرود» نام یکی دیگر از قصاید البیاتی است که شفیعی آن را به زبان فارسی ترجمه کرد و در سال ۱۳۴۸ش/ ۱۹۶۹م به چاپ رساند (البیاتی، ۱۳۴۸: ۱۴۱). این عنوان در دو مجموعه **مثل درخت در شب باران** (۱۳۵۶ش/ ۱۹۷۷م) و **بوی جوی مولیان** دیده می‌شود که از عنوان «أغنية» در مجموعه‌های **المجد للأطفال و الزيتون** (شکوه از آن کودکان و زيتون باد، ۱۹۵۶م) و **فرشتگان و شیطان‌ها** اقتباس شده است.

- عنوان «ملال» نیز نام مشترکی در مجموعه **از زبان برگ** اثر شفیعی کدکنی و مجموعه **فرشتگان و شیطان‌ها** اثر البیاتی است. این نام با عنوان «ضجر» البیاتی بینامتنی دارد.

- «آرزو» عنوان یکی دیگر از قصاید شاعر عراقی است که شاعر ایرانی آن را به زبان فارسی ترجمه کرد و در سال ۱۳۴۸ش/ ۱۹۶۹م به چاپ رساند (البیاتی، ۱۳۴۸: ۶۱) و در مجموعه *زمزمه‌ها* آن را به کار برد. این نام، برگرفته از قصیده «أمل» از مجموعه *شکوه از آن کودکان و زیتون باد* است.

- قصیده دیگری به نام «سفر» نیز از میان مجموعه اشعار البیاتی، توسط شفیع کدکنی به زبان فارسی ترجمه شده است (همان: ۶۳). این نام معادل عنوان «الرحیل» در مجموعه *شکوه از آن کودکان و زیتون باد* است که شفیع در مجموعه *شعب‌خوانی* خود، آن را به کار برده است.

- عنوان «پیغام» در مجموعه *زمزمه‌ها* نیز برگرفته از عنوان «الرسالة» از مجموعه *شکوه از آن کودکان و زیتون باد* است.

- «کلاغ» نیز عنوان قصیده دیگری است در مجموعه *خطی ز دلتنگی* (۱۳۷۶ش/ ۱۹۹۷م) که از عنوان «الغراب» در مجموعه *النار و الکلمات* (آتش و کلمات، ۱۹۶۴م) اقتباس شده است. - همچنین «ملخ زرین» نام یکی دیگر از قصاید البیاتی است که شفیع کدکنی آن را به زبان فارسی ترجمه کرد و در سال ۱۳۴۸ش/ ۱۹۶۹م به چاپ رساند (البیاتی، ۱۳۴۸: ۱۵۱). این عنوان در مجموعه *در ستایش کبوترها* دیده می‌شود که از عنوان «الجرادة الذهبية» از مجموعه *مرگ در زندگی* برگرفته شده است.

- قصیده‌ای با عنوان «الهدية» نیز در مجموعه *در ستایش کبوترها* اثر شفیع کدکنی وجود دارد که اقتباس از عنوان «هدیه» در مجموعه *کلمات هرگز نمی‌میرند* اثر البیاتی است. - عنوان «مردی است می‌سراید» از مجموعه *خطی ز دلتنگی* نیز نام دیگری است که از عنوان «الرجل الذی کان یغنی» در مجموعه *اشعار فی المنفی* (شعرهایی در تبعید، ۱۹۵۷م) گرفته شده است.

- شفیع کدکنی عنوان «معجزه» در مجموعه *خطی ز دلتنگی* را نیز از قصیده «المعزة» البیاتی در مجموعه *الكتابة علی الطین* (نوشته بر روی گل، ۱۹۷۰م) اقتباس کرده است. - همچنین عنوان «مرثیه» در دو مجموعه *غزل برای گل آفتابگردان* و *در ستایش کبوترها* برگرفته از عنوان «بکائبة» در مجموعه *آنکه می‌آید و آنکه نمی‌آید* است.

۱۰. روابط بینامتنی دیگر عناوین

علاوه بر مطالب پیش‌گفته، هر دو شاعر ایرانی و عراقی، قصایدی دارند که در عنوان آن‌ها از نیشابور یاد کرده‌اند. البیاتی که نقاب شخصیت عمر خیام، این عالم و شاعر ایرانی را بر چهره داشته، از زادگاه خیام، نیشابور، سخن به میان آورده و از زادگاه خود، بغداد، با نام نیشابور یاد می‌کند. او از نام نیشابور در عنوان قصیده «اللیل فوق نیشابور» (شب برفراز نیشابور) از مجموعه *آنکه می‌آید و آنکه نمی‌آید بهره جسته است*. شفیعی کدکنی نیز در عنوان دو قصیده «در جست‌وجوی نیشابور» و «زن نیشابور» از مجموعه *مرثیه‌های سرو کاشمر* (۱۳۷۶ش / ۱۹۹۷م) از نیشابور یاد کرده است. این شهر تاریخی در شعر شفیعی کدکنی نشان از دل‌بستگی به خراسان بزرگ دارد. چنانکه در نگاه او، نیشابور، فشرده‌ای از ایران بزرگ است (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۵: ۱۳).

قصاید دیگری نیز وجود دارد که هر دو شاعر، عنوان آن‌ها را با اشاره به شخصیت حلاج، مزین کرده‌اند. شواهدی در این مورد را می‌توان در عنوان دو قصیده تحت عناوین «عذاب حلاج» از مجموعه *سفر الفقر و الثروة* (دفتر فقر و انقلاب) و *قرآنه فی کتاب الطواسین للحلاج* (بازخوانی کتاب الطواسین حلاج) از مجموعه *قمر شیراز* (ماه شیراز، ۱۹۷۵م) اثر البیاتی و نیز قصیده‌ای با عنوان «حلاج» از مجموعه *در کوچه باغ‌های نیشابور* اثر شفیعی کدکنی دید. علاوه بر اشتراک در عناوین، مضامین مشابه بسیاری نیز در اشعار این دو ادیب وجود دارد که با ذکر شواهد، آن‌ها را بررسی می‌کنیم.

۱۱. مضامین مشترک قرآنی

البیاتی برخی مضامین شعری خود را با الهام از آیات قرآن سروده است؛ به عنوان مثال، قصیده «سنگ» از مجموعه *آنکه می‌آید و آنکه نمی‌آید* از این آیه شریفه: «حتى إذا أتوا علی واد النمل قالت نمل: یا أیها النمل ادخلوا مساکنکم لا یحطمنکم سلیمان و جنوده و هم لا یشرعون»: تا آنجا که به وادی مورچگان رسید. موری گفت: ای موران همه به خانه‌های خود روید مبادا سلیمان و سپاهش دانسته شما را پایمال کنند (نمل / ۱۸)، متأثر است که آن را با اندکی تغییر به مرگ سلیمان و عصای او اختصاص داده (جاسم، ۱۹۹۰: ۲۳۲) و چنین

سروده است:

«عصای سلیمان را بر سکوی زمان / خفته، تکیه‌زده، بیدار / موریانه‌ها خورده‌اند...»
(البیاتی، ۱۹۹۰: ۲ / ۸۲).

آن‌گاه که شفیعی این قصیده شاعر عراقی را به زبان فارسی ترجمه و در سال ۱۳۴۸ش / ۱۹۶۹م به چاپ رساند (البیاتی، ۱۳۴۸: ۱۱۵)، شاید جمال هنری یا نیروی القای خاصی در محتوای آن مشاهده کرد که درصد برآمد خود نیز از چنین مضمونی در شعرش بهره گیرد. از این رو در قصیده «معراج‌نامه» از مجموعه *از بودن و سرودن*، متأثر از *قرآن کریم*، همچون البیاتی از مرگ سلیمان و عصای او سخن به میان آورده و این‌گونه سروده است:

«... / دیدم عصا و تخت سلیمان را / که موریانه‌ها / از پایه خورده بودند...» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۴۰۰).

غیر از آنچه گفته شد، با تلمیح به آیه شریفه «و قولهم إنا قتلنا المسيح عيسى ابن مريم رسول الله وما قتلوه و ما صلبوه ولكن شبه لهم...» گفتند: ما مسیح، عیسی بن مریم را کشتیم. در صورتی که او را نکشتند و به دار نکشیدند، بلکه امر بر آن‌ها مشتبه شد... (نساء / ۱۵۷)، تجلی شخصیت مسیح (ع) در قصیده «الی ذکری دیمتروف» (برای یادبود دیمتروف) از مجموعه *عشرون قصیده من برلین* (بیست قصیده از برلین، ۱۹۵۹م) البیاتی نیز دیده می‌شود:

«مسیح ما بی صلیب بود...» (البیاتی، ۱۹۹۰: ۱ / ۳۴۲).

قصیده «دیدار» از مجموعه *در کوچه‌باغ‌های نیشابور* شفیعی نیز با اشاره به همین مضمون قرآنی سروده شده است:

«از مزرع کرامت این عیسی صلیب‌ندیده...» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۲۸۷).

۱۲. بینامتنی مضامین عرفانی، ادبی و تاریخی

شاعر عراقی در نتیجه عنایت بر عرفان و تصوف اسلامی، در قصیده‌ای با عنوان «قراءة فی دیوان شمس تبریز لجلال‌الدین الرومی» (بازخوانی دیوان «شمس تبریزی» جلال‌الدین رومی) از مجموعه *مملکة السنبلة* (کشور سنبله، ۱۹۷۹م) با استفاده از افکار مولانا جلال‌الدین رومی - که به مولانا خداوندگار یا مولانای روم نیز معروف است - و با اقتباس از اشعار وی و بهره‌گیری از کلماتی مانند عشق بی‌منتها، نای عشق و حجاب، از معشوق خود، عایشه نام

برده و عاشق را ناچیز و بسان حجاب، در برابر معشوق پنداشته و سروده است:
 چه کسی این شاعر را می‌کشد یا او را از آتش عشق بی‌منتها می‌رهاند/ اینک «شمس‌الدین» است
 / که از «تبریز» می‌درخشد/ برکات عاشق و معشوق را به من می‌بخشد/ معشوق، آن زنده مطلق
 است و اما عاشق/ حجابی است و مرده است/ ... / عایشه چون نای عشق می‌گریست/ و من/ از
 درد عشق سخن می‌گویم (البیاتی، ۱۹۹۰: ۲/ ۴۵۱- ۴۵۴).

شفیعی نیز قصیده‌ای تحت عنوان «زمزمه‌ها» را با تضمین از شعر جلال‌الدین رومی سروده
 که مانند قصیده‌ی البیاتی در آن کلماتی همچون عشق بی‌منتها و نای عشق به چشم می‌خورد:
 «باغ سبز عشق کو بی‌منتهاست/ ... / پیش اشراق تو در لاهوت عشق/ شمس و صد
 منظومه شمس‌ی سهاست/ ... / نای عشقم، تشنه لب‌های تو/ خامش دور از تو و آوای تو»
 (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۱۸، ۱۹ و ۲۲).

شاعر عراقی و ایرانی، هر دو توجه ویژه‌ای به نیشابور داشته‌اند و نام این شهر تاریخی،
 بسیار در اشعار هر دو به چشم می‌خورد. به طوری که این شهر، در شعر هر دو ادیب معاصر،
 سمبل میهن است (فوزی، ۱۳۸۳: ۱۶۷؛ برهانی، ۱۳۷۸: ۱۲۱) و هر دو آن را روشنی‌بخش دانسته و
 به‌عنوان مدینه فاضله از آن یاد می‌کنند. چنانکه البیاتی در قصیده «شب بر فراز نیشابور» از
 مجموعه *آنکه می‌آید و آنکه نمی‌آید* می‌گوید:

«... / باید شب نیشابور را/ نورافشانی کنیم» (البیاتی، ۱۹۹۰: ۲/ ۶۶).

شفیعی نیز در قصیده «شب خیام» از مجموعه *در ستایش کبوترها* می‌سراید:

«سپیده‌دم‌ست/ آن دور/ روی نیشابور» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۲: ۳۲۳).

۱۳. نتیجه‌گیری

پس از بررسی دقیق زندگی و اشعار دو شاعر ایرانی و عراقی، شفیعی کدکنی و عبدالوهاب
 البیاتی، تشابه‌های عقیدتی، فرهنگی، ادبی و شرایط همسان اجتماعی و تأثیر هر دو ادیب از
 جریان‌های روشنفکرانه معاصر اجتماعی - سیاسی نمایان شد.

از منظر ادبیات تطبیقی مهم‌ترین دلیل تأثیرپذیری شفیعی کدکنی از عبدالوهاب بیاتی،
 آشنایی دیرینه شفیعی کدکنی با سروده‌ها و در عین حال شخصیت البیاتی و نیز تسلط
 شفیعی کدکنی به زبان عربی است که وی را مترجم و تحسین‌گر سروده‌های البیاتی نموده

است.

از دیگر دلایل تأیید این تشابهات، وجود اشتراک در اندیشه‌های اجتماعی-سیاسی و هم‌راستایی فکری است که منجر به تداخل میان‌متنی و توارد فکری در شعر دو شاعر شده است.

در این مقاله، تنها شواهدی از البیاتی را مقایسه نمودیم که به قلم شفیع‌ی کدکنی ترجمه شده است. تکیه اساسی تحقیق بر عنصر زمان است که فراتر از مسئله بینامتنیت به نوعی، کارکرد بیناترجمه‌ای را نیز تأیید می‌کند.

از آنجا که محور اساسی این مقاله در چارچوب «عنوان» بوده است، پیشنهاد می‌شود براساس این تحقیق، مضمون قصاید مشابه دو شاعر با نگاه بینامتنی در مقالات مجزا، مورد بررسی تطبیقی قرار گیرد.

۱۴. پی‌نوشت‌ها

1. Intertextualite
2. <http://shamsosharab1.blogfa.com>
3. Romanticism
4. Socialism Realism
5. Existentialism
۶. تنگه بسفور (Besphore) که دو قاره آسیا و اروپا را از هم جدا می‌کند، در محلی احداث شد که قرن‌ها بعد، شهر قسطنطنیه (استانبول) در آنجا ساخته شد.
۷. ایشتار/عشتار (Ishtar) از برجسته‌ترین چهره‌های ایزدان آشوری و بابلی به شمار می‌رفت. او از یکسو، چهره شخصیت‌یافته سیاره ناهید (زهره) بود که بانوی نبردها و تازنده در میان ایزدان نیز خوانده می‌شد و از سوی دیگر در رأس ایزدانوان عشق و شهوترانی قرار داشت.

۱۵. منابع

- قرآن کریم.
- برهانی، مهدی. (۱۳۷۸). *از زبان صبح (شعر و زندگی محمدرضا شفیعی کدکنی)*. چ ۱. تهران: پاژنگ.
- بشردوست، مجتبی. (۱۳۷۹). *در جست‌وجوی نیشابور (شعر و زندگی محمدرضا شفیعی کدکنی)*. چ ۱. تهران: ثالث، یوشیج.
- البیاتی، عبدالوهاب. (۱۳۴۸). *آوازه‌های سندباد*. ترجمه و مقدمه محمدرضا شفیعی کدکنی. چ ۱. تهران: نیل.
- ----- (۱۹۹۰). *دیوان*. ج ۱ و ۲. چ ۴. بیروت: دارالعودة.
- ----- (۱۹۹۳). *كنت أشكو إلى الحجر*. ط ۱. بیروت: المؤسسة العربية للدراسات و النشر.
- جاسم، عزیز السید. (۱۹۹۰). *الالتزام و التصوف فی شعر عبدالوهاب البیاتی*. ط ۱. بغداد: دارالشؤون الثقافية العامة.
- الجیوسی، سلمی الخضراء. (۲۰۰۱). *الاتجاهات و الحركات فی الشعر العربی الحديث*. ترجمه عبدالواحد لولوه. ط ۱. بیروت: مرکز دراسات الوحدة العربية.
- رضایی دشت‌ارژنه، محمود. (۱۳۸۷). «نقد و تحلیل قصه‌ای از مرزبان‌نامه براساس رویکرد بینامتنیت». *نقد ادبی*. س ۱. ش ۴. صص ۳ و ۶.
- سیدی، سیدحسین. (۱۳۹۱). «بررسی تطبیقی دستاوردهای ادبی نیما و نازک‌الملانکه». *طرح پژوهشی*. دانشگاه فردوسی مشهد.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۵). *تاریخ نیشابور (مقدمه، توضیح و تعلیقات)*. چ ۱. تهران: آگاه.
- ----- (۱۳۷۶). *آیین‌های برای صداها (هفت دفتر شعر)*. چ ۱. تهران: سخن.
- ----- (۱۳۸۲). *هزاره دوم آهوی کوهی (پنج دفتر شعر)*. چ ۳. تهران: سخن.
- ----- (۱۳۵۹). *شعر معاصر عرب*. چ ۱. تهران: توس.
- ----- (۱۳۴۷). «البیاتی و شعر او». *انتقاد کتاب*. د ۴. ش ۳.

- صبحی، محیی‌الدین. (۱۹۸۶). *الرؤیا فی شعر البیاتی*. بیروت: اتحاد الکتاب العرب.
- عابدی، کامران. (۱۳۸۱). *در روشنی باران‌ها (تحلیل و بررسی شعرهای کدکنی)*. تهران: کتاب نادر.
- عباسی، حبیب‌الله. (۱۳۷۸). *سفرنامه باران (نقد و تحلیل اشعار محمدرضا شفیعی کدکنی)*. چ ۱. تهران: روزگار.
- فوزی، ناهده. (۱۳۸۳). *عبدالوهاب البیاتی؛ حیات و شعره*. چ ۱. تهران: ناراالله.
- مفتاح، عبد‌الکریم. (۱۹۹۰). برگرفته از سایت: shamsosharab1.blogfa.com.

Reference:

- *The Holy Quran* [In Arabic].
- Abbasi, Habibollah. (1999). *Itinerary of Rain (Analysis and Criticism of Kadkanis' Poetry)*. First ed., Tehran: Rozegar Publications [In Persian].
- Abedi, K. (2002). *In Brightness of Rains (Consideration of Kadkani's Poems)*. Tehran: Nader Publications [In Persian].
- Albayyati, Abdolvahhab. (1990). *Complet Divan*. First and Second Volumes, 4th ed. , Beirut: Daral-odat [In Persian].
- ----- (1993). *I Complained the Stone*. First ed., Beirut: Arabic and Reasearch Institute Publications [In Arabic].
- ----- (2005). *Songs of Sandbad*. Translation and Introduction by Mohammad Reza Shafiei Kadkani. First ed., Tehran: Nil Publications [In Persian].
- Aljayyosi, Salma Alkhazra. (2001). *Orientations and Movements in Arab Contemporary Poetry*. Translated by Abdolvahed LoaLoa. First ed., Beirut: Reseach Center of Arabic Unity [In Arabic].
- Bashardoost, Mojtaba. (2000). *In Pursuit of Neishabour (Poetry and Life: Mohammad Reza Shafiei Kadkani)*. First ed., Tehran: Sales Publications. Youshij Publications [In Persian].



- Borhani, Mahdi. (1991). *From the Morning Language (Poetry and Life of Mohammad Reza Shafiei Kadkani)*. First ed., Tehran: Pazhang Publications [In Persian].
- Fawzi, Nahedeh. (2004). *Life and Poetry of Abdolvahhab Albayyati*. First ed. , Tehran: Sar-Allah Publications [In Arabic].
- Jasem, Aziz Alseyyed. (1990). *Sufism in Albayyatis' Poems*. First ed., Baghdad: Public Cultural Affairs Office [In Arabic].
- Meftah, Abdolkarim. (1990). Retrieved from Website: *shamsosharab1.blogfa.com* [In Persian].
- Rezaie Dasht-Arjhane, Mohammad. (2008). "Critics and Analysis of a Story foam Marzban-nameh Based Intra-text Approach". *Literal Criticism*. Year 1. No. 4. pp. 3 & 6 [In Persian].
- Seyyedi. Seyyed Hossein. (2012). "Comparative Stoutly of Nimas' Literary Achievements and Nazokolmalaeke". *Proved by the Research*. Deputy of Mashhad Ferdowsi University [In Persian].
- Shafiei Kadkani, Mohammad-reza. (1968). "Albayyati and His Poetry". *Book Criticism* (Entegade-ketab). 4th Period. No. 3 [In Persian].
- ----- (1969). *Songs of Sandbad: Introduction*. First Version. Tehran: Nil Publications [In Persian].
- ----- (1980). *Arab Contemporary Poetry*. First ed. , Tehran: Tous Publications [In Persian].
- ----- (1996). *Neishabour History. Introduction. Explanation and Belongings*. First ed., Tehran: Agah Publications [In Persian].
- ----- (1997). *A Mirror for Voices (Haft Daftar)*. First Version. Tehran: Sokhan Publications [In Persian].
- ----- (2003). *The Second Millenary of Mountainous Deer (Panj Daftate she'r)*. 3th ed., Tehran: Sokhan Publications [In Persian].

- Sobhi, Mohieddin. (1986). *Dream in Albayyati's Poetry*. Beirut: Ettehad Al-ketab-Al-arab [In Arabic].

Archive of SID